

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو بیست و چهار ساعته‌ی صدای ایران از لس آنجلس

گزارشگر: شنوندگان ارجمند، یک نام، که می‌شود گفت به تمام جریانات و حوادث سیاسی این چهل سال اخیر گره خورده، آقای داریوش فروهر است. آقای داریوش فروهر در تهران زندگی می‌کنند. چندی پیش سفری داشتند به اروپا و ما با ایشان تماس گرفتیم، صحبت کردند، قرار شد که با هم گفتگو کنیم. گفتند من اگر قرار باشد گفتگو کنم می‌روم تهران و حرف‌هایم را از آنجا می‌زنم. امروز فرصتی پیدا شد، بعد از پانزده سال، شنوندگان ارجمند، با داریوش فروهر گفتگو کنیم - مردی که از حوادث تاریخ معاصر زیاد می‌دانند. شب به خیر، آقای داریوش فروهر در تهران.

داریوش فروهر: شب به خیر. سپاس‌گزارم.

گزارشگر: حالتان خوب است؟ آقای داریوش فروهر، اجازه می‌دهید درباره‌ی سعیدی سیرجانی با شما گفتگو کنیم -

نویسنده‌ای که در تهران بازداشت شده، اتهاماتی به او بسته‌اند، این اتهامات اغلب ایرانیان را در تمام دنیا جریحه‌دار کرده - به اضافه‌ی بازداشت‌های اخیر، آخرینش آقای ختنی، که تصادفاً از دستیاران خود شما بوده‌اند، از بازرگانان ملی‌گرا در بازار تهران. راجع به این اتهامات، این بازداشت‌های اخیر نظرتان چیست؟

داریوش فروهر: پیرامون آقای سعیدی سیرجانی، من ایشان را از راه نوشتارها و کتاب‌هایشان، که بسیار هم شیواست و گاهی سخت انتقادآمیز، می‌شناسم. از نزدیک با ایشان آشنایی نداشته‌ام. چندی پیش شنیدم که در خیابان بازداشت شده‌اند. بعد رسانه‌های بیرون از کشور خبر از بازداشت ایشان و دوستشان دادند. دیگر آگاهی چندانی پیرامون موضوع نداشتیم تا اینکه نشریه‌هایی در درون کشور، که من بیشتر آن‌ها را دشنام‌نامه می‌شناسم، مانند کیهان، جمهوری اسلامی و کیهان هوایی، شروع کردند به یک سری تهمت، تهمت‌های زشت، و حتی یک پایور وزارت اطلاعات هم در همین زمینه گفتار تهمت‌آمیزی داشت. من آگاهی درستی ندارم که چگونه و چرا ایشان بازداشت شدند؛ اما این را می‌دانم که چنین جوسازی‌هایی، دشنام‌دهی‌هایی، لجن‌پراکنی‌هایی ویژه‌ی سیستم‌های توتالیتر است و انجام یک دادرسی درست، یک رسیدگی درست به اتهام را به کلی از میان می‌برد. چند شب قبل، در برابر پرسشی، گفتم که، اگر به‌فرض آقای سعیدی سیرجانی و دوست همراهشان بتوانند در یک دادگاه صلاحیت‌دار بی‌گناهی خودشان را به اثبات برسانند، این همه خدشه که بر حیثیت ایشان وارد شده چگونه جبران خواهد شد. طبیعی است من هم، مانند همه‌ی ایرانیان، از اینکه در کشور یک شیوه‌ی یک‌تازانه‌ای است که به صرف اتهام، پیش از هر دادرسی، همه‌گونه تهمت می‌شود زد بسیار افسرده هستم. به هر حال امیدوارم وضعی پدید آید که یک دادرسی درست در یک دادگاه صلاحیت‌دار با حضور وکیل دادگستری و، در صورت لزوم، با حضور هیئت منصفه انجام بگیرد تا مردم بتوانند به‌راستی داورى کنند که آنچه به صورت تهمت زده می‌شود از حقیقتی هم برخوردار هست یا نه صرفاً از بازیگری‌های یک سامان یک‌تازانه است که با افسوس بر ایران فرمانرواست.

درباره‌ی آقای محمدحسین ختنی، که من ایشان را از نوجوانی می‌شناختم، ایشان از نوجوانی در بازار کار می‌کردند و اکنون بازرگان سرشناسی هستند، خوب، من بیشتر، به علت بستگی‌ها و دوستی‌هایی که با ایشان داشتم، آگاهی بیشتری دارم. ایشان چند بار، به‌دقت از تاریخ هجدهم بهمن‌ماه تا روز بازداشتشان، در مدت تقریباً دو ماه، سه بار از سوی نهادی به نام «جانشین دادستان انقلاب» احضار شده‌اند. هیچ تهمتی به ایشان زده نشد،

تنها با تفتیش عقاید، با کسب اطلاع کردن و با پرسش پیرامون شکل رابطه‌اش با حزب ملت ایران و با شخص من روبه‌رو شد که همه جا، با توجه به اینکه از دانش دینی درخوری هم برخوردار است، پاسخ پرسش‌کنندگان را تند داد؛ و سرانجام هم از ایشان کفیل خواستند و، چون کسانی را که درخواست کفیل کرده بودند در جایگاه قانونی نمی‌شناخت، از دادن آن خودداری کرد و اکنون سیزده روز است که در بازداشت به‌سر می‌برد. من قطع دارم هیچ اتهامی به او نمی‌شود زد، جز اینکه گماشتگان امنیتی و کسانی که دادگاه انقلاب را می‌چرخانند برای قدرت‌نمایی و زهر چشم گرفتن از دیگران ایشان را بازداشت کرده‌اند. بازداشت‌های تازه هم، به نظر من، شیوه‌های یکه‌تازانه همیشه سعی می‌کنند به هر شکل جو وحشت را نگه دارند، یکی از ابزارها هم بازداشت‌های نابجاست.

گزارشگر: آقای داریوش فروهر، شما چندی پیش خیلی شجاعانه درخواست کرده بودید که دادگاه‌های انقلاب برچیده شود. واکنش حکومت چه بود؟

داریوش فروهر: من، همان طور که خوب اعلامیه‌هایی هم در زمینه‌اش داده شد و در گفتاری هم که داشتیم گفته‌ام، اعتقاد دارم که دادگاه‌های انقلاب سال‌هاست جز نگه‌داشت جو وحشت، جز پای‌مال کردن حقوق ملت، جز تجاوز به حیثیت ذاتی بشر و دستبرد زدن به مانده‌ی دارایی‌های پاره‌ای از ایرانیان بیرون و درون کشور، آن هم به سود بنیادهای چپ‌اولگر وابسته به سردمداران جمهوری اسلامی، وظیفه‌ای ندارد؛ و، چون با کمال تأسف مجلس شورا لایحه‌ای را در بیست‌وسوم فروردین‌ماه از تصویب گذرانند که به کالبد دادگاه‌های انقلاب جان تازه‌ای دمید، من به‌شدت به این موضوع اعتراض کردم، حزب ملت ایران به این موضوع اعتراض کرد؛ و، اگر در یادها مانده باشد، به هنگام انجام نمایش انتخابات رئیس‌جمهوری، از پیش‌شرط‌هایی که برای آزادی انتخابات ذکر شد برچیدن همین نهادهای سرکوبگر بود. من اعتقاد دارم وقتی حقوق ملت پای‌مال می‌شود باید که مردم با شجاعت اخلاقی جلوی این تجاوزها بایستند و از لطمه‌ای که به جانشان، به هستی‌شان، حتی به حیثیتشان می‌رسد هیچ هراسی به‌خود راه ندهند. در چنین صورتی است که هر شیوه‌ی یکه‌تازانه‌ای ناگزیر از عقب‌نشینی است.

گزارشگر: آقای داریوش فروهر، چند روز پیش، روز دوشنبه، ساعت هفت بامداد، در میدان شهید تهران، اتومبیل‌هایی که از آنجا رد می‌شدند، سرنشینان اتومبیل‌ها و عابران، ناگهان تعدادی جوان را دیدند که در وسط میدان پرچم سهرنگ شیروخورشیدنشان ایران را برافراشتند. این اقدام به دستور شما صورت گرفت؟ و به چه جهت این کار انجام گرفت؟

داریوش فروهر: همه‌ی کارهایی که ملت‌گرایان یا حتی وابستگان حزب ملت ایران می‌کنند به دستور شخص من نیست، به‌ویژه که اکنون تا اندازه‌ای بستری هستم؛ ولی من هم گزارش این کارها را، که تراکت‌هایی برای آزادسازی زندانیان سیاسی پخش شده است و پرچمی برافراشته شده است، شنیدم.

گزارشگر: آقای داریوش فروهر، برگردیم به زندانیان سیاسی و در صدر آنها یک زندانی به نام عباس امیرانتظام. حدود پانزده شانزده سال است در زندان جمهوری اسلامی به‌سر می‌برد و اعلام کرده که، حتی اگر مرا آزاد کنند، حاضر نیستم زندان را ترک کنم، مگر اینکه محاکمه بشوم و حرف‌هایم را صریح با مردم در میان بگذارم. راجع به این زندانی چه می‌گویید؟ برخوردی با او داشته‌اید؟

داریوش فروهر: بله، من در دوره‌ی نخستین دولت پس از پیروزی انقلاب، با ایشان، که معاون و سخنگوی نخست‌وزیر بودند، مدتی همکاری داشتم. صرف‌نظر از اینکه ممکن است تفاوت‌هایی در شیوه‌ی سیاسی داشتیم، به هر حال، اکنون، ایشان پس از نزدیک به پانزده سال زندان و ایستادگی جانانه در آنجا و جواب‌های درشتی که در

دو سال گذشته به بازپرس داده بودند و با خط خود ایشان بیرون آمده به صورت یک حماسه درآمده است و من فکر می‌کنم هر ایرانی در هر کجا وظیفه دارد که آزادی این زندانی سیاسی را خواستار بشود. من شنیده‌ام که ایشان بیرون آمدن از زندان خود را موکول به انجام دادرسی در یک دادگاه صلاحیت‌دار با حضور هیئت منصفه و وکیل انتخابی کرده‌اند و این شیوهی درستی است.

گذشته از ایشان، من از طیفی صدوهشتاد درجه در برابر ایشان زندانیانی می‌شناسم، مثل آقای محمدعلی عمویی. ایشان هم، که در گذشته بیست‌وپنج سال زندان بود، اکنون نزدیک به دوازده سال است که در زندان است و به‌رغم نمایش‌های نخستین نمی‌دانم چرا باید این گونه کسان در زندان نگه داشته شوند.

کسان دیگری هم هستند که از نظر من وضعیتشان روشن نیست، فرض بگیرید آقای نورالدین کیانوری یا خانم مریم فیروز؛ از یک سو از آن‌ها خاطرات نشر داده می‌شود، از یک سو خود آقای گالیندوپل وقتی به ایران آمده بود به من گفت که هر دوی آن‌ها به او گفته‌اند که زیر فشار گفتارهایی داشته‌اند. به هر حال، در شیوه‌های یکه‌تازانه، هیچ ایمنی قضائی نیست و هیچ داوری درستی پیرامون گناهکاری یا بی‌گناهی کسی نمی‌شود کرد. به همین دلیل است که من خواستار این هستم حقوق ملت در قانون اساسی، که یکسره پای‌مال شده، احیا گردد، دادگاه‌های دادگستری با حضور هیئت منصفه و وکیل به اتهام‌های سیاسی رسیدگی کنند.

گزارشگر: آقای داریوش فروهر، گالیندوپل وقتی در ایران آمد با شما ملاقات کرد، بله؟

داریوش فروهر: بله، آن هنگام با من دو بار در دو سفر دیدار داشتند و من، همچنان که شیوه‌ام هست، هر آنچه می‌دانستم به ایشان گفتم تا بعد، که گزارش‌ها برایم فرستاده شد، دیدم بخشی از آن درج شده است.

گزارشگر: هیچ برآوردی الان راجع به تعداد زندانیان سیاسی در ایران دارید؟

داریوش فروهر: با افسوس بسیار، نه؛ برای اینکه آگاهی درست و آمار رسمی داده نمی‌شود و من هم عادت ندارم که رقم تخمینی بگویم که فردا تکذیب شود.

گزارشگر: آقای فروهر، به عنوان یک شخصیت ملّی‌گرا، خیلی هم باشهامت، به ما بفرمایید وقتی صبح بلند شدید و دیدید که در خفا جمهوری اسلامی مملکت را زیر بار چهل‌میلیارد دلار قرض برده، چه احساسی داشتید؟

داریوش فروهر: من صبح بیدار نشدم، به‌تدریج دیدم که با افسوس بسیار ایران به چنین روزی افتاده؛ که، تا آنجا که یادم هست، در نخستین کابینه‌ی بعد از انقلاب، وزیر دارایی از یک اندوخته‌ی ارزی بسیار گسترده گزارش داد. وقتی دیدم در برابر شیوه‌های غلط اقتصادی ایران تا گلوگاه به قرض فرو رفته و فکر می‌کنم میزان قرض بیشتر از آن چیزی هم هست که ذکر می‌شود و ایران در شمار یکی از بدسوارترین کشورهای جهان است، سخت تأسف می‌خورم و سخت نسبت به آینده نگران هستم. به نظر من، بعدهای ویرانگری، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، چنان گسترده است که حتی یک دولت ملّی صددرصد دارای پشتیبانی مردم به‌سختی از این ورطه می‌تواند ایران عزیز را رهایی بدهد.

گزارشگر: یعنی در واقع تا چند نسل گرفتار خواهیم بود؟

داریوش فروهر: امیدوارم چنین نشود، چون کشوری داریم غنی، سرزمینی داریم بارور و مردمی بافرهنگ و مغزهای فرهیخته، که با افسوس اکنون در گوشه‌وکنار جهان پراکنده‌اند، پیش از اینکه کار به نسلی بکشد، با برنامه‌های درستی، یک دولت ملّی‌گزیده‌ی مردم بتواند به دشواری‌ها غلبه کند.

گزارشگر: آقای فروهر، پیامتان برای هموطنانتان در خارج از کشور چیست؟ میلیون‌ها ایرانی و صدها هزار، که

هم الان دارند صدای شما را می‌شنوند، چه پیامی برای آنها دارید؟

داریوش فروهر: برای من بسیار ناگوار است که بزرگترین هجرت تاریخ از ایرانیان به بیرون سرزمینشان در پانزده سال گذشته شده و با افسوس هنوز هم به‌رغم بازگشت بعضی‌ها دنباله دارد. [به علت اختلال‌های پدیدآمده، بقیه‌ی گفتگو ضبط نشد.]